

تبیین پدیدار شناسی آموزگاران از تفکر خلاق کودکان در دبستان

محمدرضا شهبازی^۱، نرگس کشتی آرای^۱، احمد علی فروغی ابری^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین پدیدار شناسی معلمان ابتدایی از چگونگی پرورش تفکر خلاق انجام گرفت. روش پژوهش، کیفی از نوع پدیدارشناسی بود. شرکت کنندگان در پژوهش معلمان مقطع ابتدایی شهرستان آباء بودند که با روش نمونه گیری هدفمند از نوع «مورد مطلوب» انتخاب شدند. حجم نمونه بعد از انجام مصاحبه و عدم دستیابی به اطلاعات جدید در نهایت به ۹ نفر رسید. اطلاعات با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته گردآوری و با به کارگیری روش ۷ مرحله ای کلازی مورد تفسیر قرار گرفت. از مجموع یافته های این پژوهش بعد از حذف کدهای مشترک، شامل ۲۲۰ کد مفهومی که بیانگر تجارب شرکت کنندگان در پژوهش بود استخراج گردید که در سه «تم اصلی» به شرح زیر دسته بندی شدند. ۱. «تفاوت بارز در ویژگی های کودکان خلاق» ۲. «شکوفایی خلاقیت با استراتژی های دانش آموز محور» ۳. «موانع آموزشی و اجتماعی رشد تفکر خلاق» آگاهی از این یافته ها راه را برای تصمیم گیری برنامه ریزان درسی هنگام تدوین برنامه یا محتوا و چگونگی آن روشن تر و به تبع آن فرآیند یاددهی خلاقانه را برای معلمان سهل تر می سازد.

کلید واژه ها: پدیدار شناسی، تفکر خلاق، آموزش و پرورش ابتدایی.

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)، آموزگار آموزش و پرورش

عشایر فارس (نویسنده مسئول) shahbazim26@yahoo.com

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه علوم تربیتی Keshtiaray@gmail.com

۳- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه علوم تربیتی.

مقدمه

ضرورت پرداختن به چگونگی پرورش تفکر خلاق و تصور معلمان نسبت به آن نه تنها محصول رویارویی با خواست آینده است بلکه از نیازهای زمان حاضر نیز می باشد زیرا شواهد و مطالعات نشان می دهد که برخوردهای معلمان با کودکان در سال های اولیه دبستان بر رشد استعداد های ویژه کودکان تأثیر فراوان دارند تورنس^۱ (۱۹۸۵). به تعبیر ریهامرو برولین^۲ (۲۰۰۵) خلق ایده های نو و تولیدات ابتکاری از ویژگی های شناختی انسان ها است. منظور از تفکر خلاق نوعی از تفکر است که منجر به دیدگاه های جدید، رویکردهای نوظهور، دورنمایی تازه و راه های جدید برای فهم و درک اشیاء و موقعیت ها می شود (فاسیونی^۳، ۲۰۱۰). در تبیین خلاقیت نظریه های مختلفی وجود دارد که در جای خود توضیحی روشنگرانه برای عوامل موثر بر خلاقیت ارائه کرده اند. آمابیل^۴ (۱۹۹۸) معتقد است که تفکر خلاق پدیده ای اجتماعی است و از نیازها، مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی برمی خیزد. عده ای دیگر نظیر تورنس (۱۹۹۰) و هرینگتون^۵ (۲۰۰۱) معتقدند که خلاقیت یک اثر شخصی است یعنی به عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف، احساسات، تجربه ها و یادگیری های شخصی وابسته است. عده ای نیز مانند گیلفورد^۶ (۲۰۰۵) معتقدند که خلاقیت بعدی فراشناختی دارد و با فرآیندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات ارتباط دارد. مرور تاریخی این مقوله نشان می دهد که در خلال دهه (۱۹۵۰) علاقه قوی نسبت به آموزش و نیز پرورش خلاقیت بوجود آمد. فرض تلویحی آن اقدامات این بود که شخصیت و ذهن خلاق را می توان با آموزش شکل داد. مثلاً تورنس به عنوان یکی از نامدارترین نظریه پردازان حوزه

1 - Torrance

2 - Ryhammar & Borlin

3 - Facioni

4 - Amabilly

5 - Herrington

6 - Guilford

خلاقیت می گوید، من در 15 سال تجربه، مطالعه و آموزش تفکر خلاق و کار با کودکان، شواهدی دیده ام که نشان می دهد خلاقیت را می توان آموزش داد (نقل از باگتو^۱ ۲۰۱۰). ریکاردز^۲ (1988) نیز معتقد است که خلاقیت با آموزش، قابلیت رشد و تحول بیشتری را پیدا می کند نقل از تورنس (۱۹۹۹). هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در کودکان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش این مقوله توسط معلمان در نظام آموزشی می باشد، زیرا انگیزش، مهارت ها و ویژگی های شخصیتی، خلاقیت افراد را شکل می دهد (شریعتمداری ۱۳۹۲). در این سالها دامنه ای از اقدامات برای تحریک خلاقیت صورت گرفت، با این حال فعالیت های آن زمان فاقد یک برنامه منظم و کنترل شده بود. در واقع کارهای مربوط به سال (1980) را باید نخستین اقدامات مسئولانه برای تشویق برنامه های آموزشی خلاقیت تلقی کرد، زیرا صاحب نظران متقاعد شدند که با تسریع خلاقیت می توان به افراد کمک کرد تا خودشان چهارچوب های نوینی را برای زندگی شان بیافرینند (نقل از پیر خائفی 1391). بسیاری از متخصصین تعلیم و تربیت، بر سودمندی طراحی روشهای آموزشی دانش آموز محور که فعالیتهای آن بر اساس مسائل جهان واقعی طراحی میشود، تأکید می کنند، این شیوه یک رویکرد تربیتی نوینی است که به دانش آموزان کمک می کند معمار دانش خود باشند. (نقل از فیروز بخت ۱۳۹۴). معمولاً معلمان مدارس تصور می کنند همه شاگردان در یک سطح از لحاظ علمی قرار دادند و نحوه کار آنها باید مشابه باشد، نتیجه این طرز فکر محدود کردن رشد خلاقیت شاگردان و مجبور ساختن آنها به پیروی از اصول و قواعد معین است در این صورت سرنوشت کودکان خلاق بسیار تیره تر از سرنوشت کودکانی است که هوشبهرهای عالی دارند و اگر درک درستی نسبت به آنان نداشته باشند، هیچ امکانی برای تبدیل شدن به بزرگسال خلاق نخواهند داشت، شریعتمداری (۱۳۹۲). در جهت کشف ویژگی های کودکان خلاق، پاره ای از دانشمندان از جمله مک کلند^۳ در آمریکا در دهه ۱۹۸۰ وجود انگیزش و تأثیر آن را بر خلاقیت بررسی نموده و می گوید: افراد خلاق همانند اکثر مردم انسان های پیچیده ای هستند و هیچ تئوری منحصر به فردی نمی تواند تمام رفتار آنها را توجیه کند (نقل

1 - Beghetto,

2 - Richards

3 - mekkelland

ازاسونر و فریمن^۱، ۱۳۹۰). استاین^۲ (2003) نیز پس از تحقیقات و مطالعات انجام شده درباره ویژگی های افراد خلاق به این نتیجه رسیده است که افراد خلاق دارای ویژگی های زیر هستند : انگیزه پیشرفت سطح بالا، کنجکاوی فراوان، علاقه مندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها، قدرت ابراز وجود و خود کفایی، پشتکار و انضباط در کارها، استقلال و طرز فکر انتقادی، انگیزه های زیاد و دانش وسیع، اشتیاق و احساس سرشار، علاقه کم به روابط اجتماعی و حساسیت زیاد نسبت به مسائل اجتماعی، تفکر شهودی و قدرت تأثیر گذاری بر دیگران. در بعد آموزش و شکوفایی تفکر خلاق بررسی گروهی از دانشمندان مانند: (والاچ و کوغان^۳ ۱۹۹۹، مانسفیلد^۴ ۲۰۰۰، گیلفورد^۵ ۲۰۰۲، آیسنک^۶ ۲۰۰۴، راین^۷ 2006 و برک^۸ ۲۰۰۸) نشان می دهد که خلاقیت پدیده ای چند متغیری است یعنی عواملی نظیر جامعه، خانواده، شخصیت و تواناییهای شناختی همزمان بر آن تاثیر می گذارند، (به نقل از استرنبرگ^۹ ۲۰۰۳ و مایهالی^{۱۰} ۲۰۰۸). مروردیگر تحقیقات بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود یعنی سیالی، انعطاف پذیری و ابتکار تحت تاثیر آموزش افزایش یافته و بویژه توانایی ابتکار از جهش محسوسی برخوردار می شود (به نقل از آناره^{۱۱} ۲۰۰۴ و گیلفورد^{۱۲} ۲۰۰۵). وبستر^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۳)، طی تحقیقی در رابطه با افزایش فرایند خلاقیت به منظور تبیین چگونگی یادگیری دانش آموزان پس از آموزش از طریق تکنولوژی آموزشی، دریافتند که ایجاد یک محیط آرام و به دور از رقابت و مواجهه ساختن دانش آموزان با مسائل جدید و از قبل پیش بینی نشده، آنها را قادر می سازد تا

1 - Snowner&Ferimen
 2 - Stain
 3 - Wallach and kogan
 4 - Mansfield
 5 - Guilford
 6 - Eysneck
 7 - Rayan
 8 - Rayan
 9 - Sternberg
 10 - Mihally
 11 - Annare
 12 - Vebster
 21 - Vernon.P.

راه‌های جدید و خلاقانه‌ای برای حل مسائل بیابند. در پژوهشی که ورنون^۱ (۲۰۱۲) در مورد تفسیر کیفیت روابط بین دانش آموزان دختر و پسر مبتکر، در دوازده کلاس درس دوره اول دبیرستان انجام داد، به این نتیجه رسید که احتمال آنکه پسران درباره‌ی عقاید همکلاسیه‌ایشان به بحث بپردازند، هشت بار بیش از دختران است. دیگر پژوهش‌های انجام شده در مورد تکنیک‌ها و شیوه‌های تدریس، نتایج زیر را در پی داشته‌اند: همبستگی بین خلاقیت و روش مباحثه در گروه‌های کوچک (دوتی^۲ ۱۹۸۷)، اهمیت آموزش و کار سخت در مورد شکوفایی استعداد (بلوم^۳ ۱۹۹۵)، (الگو بودن نقش مربی و منبعی برای همانندسازی (به نقل از بیانلو، ۱۳۹۲) و تفکر خلاق به عنوان عامل پیش‌بینی کننده اثر بخشی معلم (دیویدویچ و میلگرام^۴ ۲۰۱۱).

در کنار شیوه‌های موثر بر شکوفایی تفکر خلاق، عوامل بازدارنده‌ای نیز در این امر طی تحقیقات به اثبات رسیده است. علل فرهنگی و اجتماعی از جمله عواملی است که می‌توان به آن اشاره کرد. هر چند در سال‌های اخیر تغییرات اساسی در نگرش جامعه نسبت به توانایی‌های دو جنس پسر و دختر و همچنین زمینه‌های برخورداری از فرصت‌های مساوی برای شکوفایی استعداد‌های خلاق هر دو جنس بوجود آمده است، برخی از محققان متذکر شده‌اند که تفاوت‌های جنسی در سطح شناختی به خاطر نگرش‌های کلیشه‌ای اجتماعی - فرهنگی افراد است (آبرا^۵). این موانع در ارتباط با دوران کودکی و تربیت، نظام آموزشی، فشارهای اجتماعی و رقابت‌های مرسوم در اجتماع مطرح می‌گردند که برای غلبه بر آنها می‌توان اصول تربیتی صحیح در خانواده‌ها و نظام آموزشی را رواج داد. یکی از دلایل این امر که ما هر چه بیشتر رشد می‌کنیم، خلاقیت‌مان کمتر می‌شود، آن است که قربانی فرهنگ، رسوم اجتماعی و عادات می‌شویم، سوادکوهی و نوروزی (۱۳۸۹). غفاری (۱۳۸۴) در پژوهش خود به بررسی چهار مانع آموزشی، فردی، سازمانی و خانوادگی بر رشد تفکر خلاق پرداخته است که نتایج نشان داد، چهار مانع ذکر شده بر رشد تفکر تأثیر دارند و از دیدگاه او بیشترین تأثیر مربوط به موانع

۲۲ - duty

۲۳ - Bloom

۲۴ - Davidovitch & Milgram

آموزشگاهی است. (گالاگر ۱۳۸۱) بیان می کند همکاری ۴۵ درصد از اولیای دانش آموزان نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندشان ضعیف است و همچنین نامناسب بودن رفتار مربی که منبع و سرمشق مناسبی برای همانندسازی کودک است (نقل از معروفی ۱۳۹۲). کیم^۱ (۲۰۰۳)، که شرایط و محیط آموزشی را از عوامل مهم و مؤثر بر عملکرد دانش آموز می داند. نتایج تحقیقات میر قیداری (۱۳۸۳)، که نقش محیط خانوادگی خلاق و محیط خانودگی غیر خلاق را در پرورش خلاقیت بیان می کند و آنها را از یکدیگر متمایز می سازد. اگر چه آموزش تفکر خلاق از شواهد موثق و قوی در داخل و خارج از کشور برخوردار است، با اینحال این موضوع از بعد کارآفرینی و به دلیل داشتن رابطه ی عمیق با اشتغال و شکوفایی اقتصاد جامعه، نیاز به اهتمام بیشتری در عرصه ی تعلیم و تربیت دارد. با همه ی این اقدامات و فعالیت ها، پژوهش حاضر را می توان شیوه ای جدید در یافتن حقایق دانست، زیرا گر چه تاکنون در کشور تعدادی تحقیق «کمی» در زمینه خلاقیت دانش آموزان انجام شده و رابطه یا همبستگی دو متغیر را بررسی کرده اند، اما داده های جمع آوری شده بیشتر پرسشنامه ای بوده و نظرات افراد را به عنوان مرجع مطلع در قالب چند سوال جوایا شده، که هیچ دلیلی بر اشتباه ناپذیری آن وجود ندارد. دلیل این امر آن است که اظهارات موثق آنان بیش از آنکه بر واقعیت متکی باشد، به عقاید شخصی بستگی دارد. اما تحقیقات «کیفی» یک سیستم برای سازماندهی واقعیات شناخته شده جهت دستیابی به یک نتیجه است (گال و بورگ^۲ ۱۳۹۲). بر نوآور بودن و اطمینان این گونه تحقیقات اندیشمندان بزرگ نیز صحنه گذاشته اند. فلیک^۳ (۱۳۹۰) بیان می کند که هدف تحقیق کیفی کشف و پروراندن نظریه های جدید و دیدگاه هایی که بنیانی تجربی دارند و ارتباطات اجتماعی و ذهنیت محقق و آنانی که مورد مطالعه قرار می گیرند به جزئی از فرآیند تحقیق بدل می شوند.

بنابراین با عنایت به پیشینه نظری موجود که بر آموزش تفکر خلاق کودکان و نقش آن در ارتقای ذهن و شخصیت تاکید دارند و نیز ضعف پژوهشی و بویژه مطالعه ی «کیفی» در داخل و با توجه به اهمیت نقش معلمان در پرورش این پدیده مهم تربیتی و نیاز به نگاه پدیدارشناسی به

1 - Kimm

2 - Gall & borg

3 - Flick

این مسئله، مقاله حاضر بر آن بود تا به تبیین واقعیات رخ داده در کلاس درس اقدام نموده و با شناسایی ویژگیهای شاخص دانش آموزان خلاق نقاط ضعف وقوت آنان را دریابد و راهکارهای پرورشی اجرایی و پیشنهادی، چالش ها و موانع موجود در این زمینه را استخراج و توصیف نماید. به این ترتیب برنامه ریزان درسی با آگاهی از این یافته ها می توانند برنامه آموزشی مناسب را تدوین، یا محتوا و چگونگی آن را ترسیم نمایند.

سوالات پژوهش

۱. معلمان ویژگی های خاص کودکان خلاق را چگونه توصیف کرده اند؟
۲. معلمان در مورد شیوه های پرورش تفکر خلاق و راهکارهای بهبود آن چه پیشنهادی دارند؟
۳. معلمان موانع بازدارنده رشد خلاقیت در خانه و مدرسه را چگونه شرح می دهند؟

۱۰۷

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی از نوع پدیدار شناختی است. پژوهش پدیدار شناسی مطالعه تجربه زیست شده است. ویژگی های تحقیق کیفی عبارت است از: تأثیر محققان بر تحقیقشان به منزله بخشی از فرآیند تولید دانش، انتخاب صحیح نظریه ها و روش های مناسب؛ تجزیه و تحلیل دیدگاه های مختلف و تنوع رویکردها و روش ها، فلیک (۱۳۹۰). مدت زمان هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۳۰ بود که هنگام شنیدن مطالب تکراری و رسیدن به حالت اشباع مصاحبه به اتمام می رسید. محیط این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان آبادیه بوده است. روش نمونه گیری در این مطالعه نمونه گیری از افراد «کلیدی»^۱ به شیوه ی «مبتنی بر هدف»^۲ و روش مورد استفاده گلوله برفی بود. همچنین برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته استفاده شد که به وسیله دستگاه MP3 ضبط گردید. این نوع مصاحبه متشکل از یک سری

1 - The oretical

2 - Purposeful

سوالات منسجم است که برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر و موشکافی عمیق تر موضوع مورد مصاحبه، از سوالات باز پاسخ نیز استفاده شد که پرسش های چند گزینه ای، بلی - خیر و کوتاه پاسخ در آن جایگاهی نداشت. پژوهشگر در راستای افزایش اطمینان پذیری پژوهش خود، اقدام به انجام دو مصاحبه آزمایشی نیز نمود. در تحقیق کیفی، مشخص نمودن حجم نمونه رابطه مستقیمی با تصمیم گیری و قضاوت محقق دارد و قواعد از قبل تدوین شده ای وجود ندارد که در نهایت، تعداد معلمان مشارکت کننده در مصاحبه به ۹ نفر رسید، جدول «۱». یافته های بدست آمده در پژوهش با استفاده از روش ۷ مرحله ای «کلایزی^۱» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این روش از دیدگاه او به شرح زیر است:

۱- همه توضیحات شرکت کننده (پروتکل ها) برای کسب یک معنی، روی کاغذ نوشته و برای آنها خوانده شد.

۲- به هر توضیح برگشته و از آنها عبارات یا جملاتی که به طور مستقیم به پدیده مورد نظر مربوط است را استخراج کنید (یعنی استخراج جملات مهم از متن مصاحبه ها).

۳- سعی کنید معنی هر توضیح مهم را بیرون آورید، یعنی چند مفهوم کلی که از جملات مهم کسب می شود و مربوط به هر کدام از سوالات پژوهش است. (که به آن معانی منظم شده می گویند).

۴- مورد بالا را برای هر توضیح (تک تک جملات مهم) تکرار و معانی فرموله شده غنی را به صورت خوشه موضوعات سازماندهی کنید. (مفاهیمی که مربوط به موضوعات مشابه هستند را به طور جداگانه دسته بندی می کنیم).

الف) این خوشه موضوعات را به پروتکل های اولیه (متن اصلی پیاده شده روی کاغذ) ارجاع دهید تا روایی آنها تایید گردد.

ب) بعضی از موضوعات ممکن است با موارد دیگر یک دست نباشند، یا به طور کامل با دیگر موارد مربوط نباشند، یعنی اگر موضوعات یک سوال با دیگر سوالات پژوهش مرتبط نبود، (کلایزی به محقق پیشنهاد می کند برای نادیده گرفتن داده ها یا موضوعاتی نامتناسب و سوسه نشوند).

۵- نتایج هر چیز در یک توضیح جامع از موضوعات مورد بررسی جمع آوری گردد (چکیده ی کلی که از دید محقق، از کل جملات مربوط به هر سوال در قالب یک عبارت کوتاه استخراج می شود).

۶- تا آنجا که ممکن است توضیحی جامع از پدیده ی مورد بررسی در یک بیان بدون ابهام از ساختار اساسی آن منظم گردد که اغلب تحت عنوان ساختار ذاتی پدیده نام گذاری می شود.

۷- روایی نهایی با رجوع به هر شرکت کننده بدست می آید، می توان در یک جلسه مصاحبه، از شرکت کنندگان در مورد یافته ها سوال شود تا مشخص شود که هر دسته مفاهیم استخراجی مربوط به بیانات کدام مصاحبه شونده است (هالووی^۱ 1388). محقق برای اطمینان یافتن و کسب «روایی درونی»^۲ و پایایی از روش «بازسازی واقعیت» استفاده کرد و متن پیاده شده مصاحبه ها را برای شرکت کنندگان ارسال و بازخورد گرفته شده و صحت مطالب از سوی آنان را بررسی کرد.

جدول (۱): مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

مدرك	سابقه تدریس	پایه تدریس	شماره مصاحبه شونده
کارشناسی	۱۰	پنجم	۱
کارشناسی	۱۵	دوم	۲

1 - Haluwi

2 - Internal Validity

۳	اول	۲۲	کارشناسی
۴	چهارم	۱۳	کارشناسی
۵	چهارم	۷	کارشناسی
۶	سوم	۱۷	کاردانی
۷	سوم	۹	کاردانی
۸	پنجم	۲۳	کارشناسی ارشد
۹	پنجم	۸	کارشناسی ارشد

یافته ها

در تجزیه و تحلیل متن مصاحبه ها به شیوه ی کلایزی، پس از مطالعه و درک معانی، ابتدا نمونه ها (جملات مهم) ذکر گردید، سپس معانی منظم شده (مولفه های جزئی) که شامل ۲۲۰ کد مفهومی بود، در گام بعد دسته بندی خوشه های موضوعات، که «۱۸» مولفه را در بر می گرفت و در نهایت تم های اصلی (توضیحات جامع) در ۴ تم که پس از ذکر نمونه ها و موضوعات، کل یافته ها در قالب مدل مفهومی ارائه گردید.

یافته ها و نمونه های ذکر شده در سوال اول:

« این گونه دانش آموزان همیشه سوالات مختلف و متفاوتی می پرسند و کنجکاوی خود را در هر درس و موضوعی نشان می دهند و تا قانع نشوند، دست بردار نیستند ». شرکت کننده شماره ۵

« یک ویژگی که من در کودکان خلاق می بینم این است که خودش را نشان می دهد، یعنی هر اندازه استعداد و توانایی و تجربه دارد آن را بروز می دهد و از انزوا دوری می کند » شرکت کننده شماره ۲ .

« کودک هدف ما چون رشد اجتماعی و منطقی داره ابتدا از صحبت ها و پیشنهادات دیگران انتقاد می کند. یعنی در واقع انتقادگر است تا این که کم کم خلاق می شود و ایده های جدیدی از خود بروز می دهد ». شرکت کننده شماره ۴.

این شاگرد بیشتر خود را موظف می دانست، مثلاً اگر می گفتیم تعداد ۵۰ کلمه که تشدید داشته باشد را بنویسید، به جای ۵۰ کلمه و همه را با خط خوانا می نوشت که همین زیبانویسی خود ابتکار بزرگیست « شرکت کننده شماره ۸.

« خصوصیت دیگری که من در کلاس از شاگرد خلاق دیدم این بود که اطلاعات او به روزتر و گنجینه لغات بیشتری هم دارند که به خاطر همان مطالعه بیشتر می باشد و رقابت او نیز حتی با بقیه بیشتر بود و جواب سؤال من را با آمادگی بهتری می دهد « شرکت کننده شماره ۱ .

با توجه به مفاهیم استخراج شده از مصاحبه ها، معانی منظم شده در مولفه ی کلی « تفاوت در ویژگی ها « دسته بندی شدند که « ۵ « موضوع شامل: (داشتن روحیه پرسشگری ، دارا بودن تفکر انتقادی کودکان ، داشتن خودپنداره مثبت ، ایده پردازی و شکستن قالب ها، و مفهومی ساختن موضوعات درسی) را در بر گرفت .

یافته ها و نمونه های ذکر شده در سوال دوم :

« ما سعی می کنیم شعر را با آهنگ برای دانش آموزان بخوانیم و یا همخوانی کنیم ، حالا بچه هایی که خلاق هستند و به آهنگ و شعر بیشتر توجه می کنند فوراً آن را با آهنگ دیگری مثل آهنگ آقای افتخاری که قبلاً گوش داده اند، اجرا می کنند « شرکت کننده شماره ۹ .

« نگاه یک نواخت به دانش آموز و عدم توجه به تفاوت های فردی باعث می شود که معلم همیشه از یک روش یا الگو پیروی کند و نتواند به تفاوت های فردی پی ببرد که در نتیجه شاگرد هم به یک روش یا الگوی تدریس معلم پیروی می کند و هیچ خلاقیتی را از خود بروز نمی دهد « شرکت کننده شماره ۷.

« محرک های بصری مانند تصاویر، اشعار و جمله های آموزنده را در معرض دید همیشگی دانش آموزان قرار می دهم تا کودکان نسبت به آن کنجکاو شوند و درباره آن فکر کنند و مهارت های انسانی و اخلاقی بیشتری را فراگیرند و مهارت های انسانی و اخلاقی بیشتری را فراگیرند « شرکت کننده شماره ۶.

« برگزاری کارگاه های ویژه خلاقیت و روش آموزش آن برای معلمان به طور دائم و با کیفیت

بالا می تواند روش ها و الگوهای بهتری را برای پرورش خلاقیت و شناخت استعداد های نهفته و متفاوت شاگردان، برای ما ارائه نماید» شرکت کننده شماره ۸

« والدین کودک باید از رفتارها و حرکاتی که مایه اضطراب و نگرانی فرزندشان می شود پرهیزند، مثلا از دعوی خانوادگی و ایجاد تنش های روحی خودداری کنند. که این به نظر من باعث می شود تا کودک احساس امنیت عاطفی بیشتری کند و در مدرسه درس را نیز بهتر یاد بگیرد» شرکت کننده شماره ۹

« هماهنگ بودن کادر اداری مدرسه و داشتن روابط عاطفی و خوب بویژه همکاری مدیر با آموزگاران و عدم بدبینی نسبت به یکدیگر باعث می شود تا معلمان که الگوی واقعی دانش آموزان می باشند، نیز با روحیه و انگیزه بهتری به کلاس بروند» شرکت کننده شماره ۵.

« محیط فامیلی مناسب که فقط کودک ملزم نباشد خود را با شخصیت پدر و مادر تطبیق و همانند سازی کند. مصاحبه شونده شماره ۱.

بر اساس یافته های بدست آمده از متن مصاحبه ها در سوال دوم، معانی منظم شده در مولفه ی کلی « شیوه های دانش آموز محور » دسته بندی شدند که « ۵ » موضوع شامل: (استفاده از تشویق ، تغییر روش با توجه به موقعیت ، تقویت تفکر واگرا ، تمرکز دادن بر حواس پنج گانه ، ارائه ی راهکارهای آموزشی) را در بر گرفت .

یافته ها و برخی نمونه های ذکر شده در سوال سوم :

« کمبود وقت کلاسی و مدرسه باعث می شود که ما کمتر به انجام آموزش های گوناگون و در نتیجه تفهیم مطالب و یادگیری بهتر بپردازیم » شرکت کننده شماره ۶ .

« ساعت های درسی محدود و حجم کتاب ها زیاد، در نتیجه وقت مفید کلاس ناچیز است که اگر فرصت کافی داشتیم بیشتر می توانستیم در کلاس با تک تک شاگردان همکاری کنیم و تمرین ها و مسائل ریاضی را با مشورت یکدیگر حل کنیم» شرکت کننده شماره ۵ .

« در بعضی از مدرسه ها و حتی کلاس ما میز و صندلی بسر کم و یا فرسوده و کهنه است و حتی ساختمان آنها هم بسیار قدیمی و خراب است، یا کلاس من که ۳۵ نفر است و با این تعداد به هیچ وجه نمی توان روی بروز و پرورش خلاقیت دانش آموز کار کرد» شرکت کننده شماره ۹.

«امکانات فیزیکی که ۱۰ سال پیش در مدرسه ما بود، هنوز هم وجود دارد و تغییری نکرده است و باید با همین وسایل محدود کنار آمد، در حالی که سطح توقع دانش آموزان بالاتر رفته و به چیزهای جدیدتری نیاز دارند، تا بتوانند آنها را دستکاری یا مورد استفاده قرار دهند» شرکت کننده شماره ۵.

«متأسفانه والدین در موارد زیادی نگرش خوبی نسبت به مراجعه به مدرسه ندارند و به وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندشان رسیدگی نمی کنند و همکاری مطلوبی با ما انجام نمی دهند، تا اگر استعداد پیشرفت و خلاقیت در وجود کودک باشد، زودتر شکوفا شود و باید چند بار به آنها تلفن زد یا سفارش کرد تا در جلسات اولیا شرکت کنند» شرکت کننده شماره ۷.

«بعضی خانواده ها را سراغ دارم که به عاطفه و شخصیت اعضا، کمتر اهمیت می دهند، مثلاً اگر کودک مطلب یا سخن جدیدی را در منزل به زبان بیاورد، حتی من دیده ام که به خاطر بچه بودن او مورد تمسخر قرار می گیرد و کودک از ادامه اظهار نظرهای بعدی نزد والدین خودداری می کند که یک مشکل بزرگ در رشد تفکرات کودک می باشد» شرکت کننده شماره ۱.

بر اساس یافته های بدست آمده از متن پاسخ های این سوال، معانی منظم شده در دو مولفه ی کلی «موانع آموزشی» و «موانع اجتماعی» دسته بندی شدند که مولفه ی اول «۴» موضوع شامل: (کمبود وقت جهت عمق بخشیدن یادگیری، آشنا نبودن معلمان با خلاقیت، وجود کلاسهای پر جمعیت و نبود امکانات کافی) و مولفه دوم نیز «۴» مورد از جمله: (تأثیر منفی همسالان، عدم آرامش روانی در منزل، فقر مالی در خانواده، آشنا نبودن والدین با خلاقیت و وجود باورها و تفکرات غلط) را در بر گرفتند.

پس از تفسیر متون و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه ها، معانی منظم شده ی سوالات پژوهش در چهار مولفه ی کلی دسته بندی شدند که همراه با موضوعات مرتبط به هر مولفه در نمودار «۱» آمده است.

نمودار (۱): «پدیدار شناسی آموزگاران از پرورش تفکر خلاق»

تفاوت در ویژگی های کودکان خلاق

- داشتن روحیه پرسشگری
- مفهومی ساختن موضوعات درسی
- ایده پردازی و شکستن قالب ها
- داشتن خودپنداره مثبت
- دارا بودن تفکر انتقادی کودکان خلاق

موانع اجتماعی

- تأثیر منفی همسالان
- عدم آرامش روانی در منزل
- فقر مالی در خانواده
- آشنا نبودن والدین با خلاقیت
- وجود باورها و تفکرات غلط

شیوه های دانش آموز محور

- استفاده از تشویق
- تغییر روش با توجه به موقعیت
- تقویت تفکر واگرا
- تمرکز دادن بر حواس پنج گانه
- ارائه راهکارهای آموزشی

موانع آموزشی

- کمبود وقت جهت عمق بخشیدن یادگیری یادگیری
- آشنا نبودن معلمان با خلاقیت
- وجود کلاسهای پر جمعیت
- نبود امکانات کافی

بحث و تفسیر

هدف پژوهش حاضر تبیین ویژگی های دانش آموزان خلاق، شیوه های پرورشی و موانع بازدارنده ی رشد تفکر خلاق کودکان در مقطع دبستان بوده است. خصوصیات بارز و منحصر به فردی که از یافته های سوال اول بدست آمده عبارتند از: داشتن روحیه پرسشگری، مفهومی ساختن موضوعات درسی، ایده پردازی و شکستن قالب ها، داشتن خودپنداره مثبت و دارا بودن تفکر انتقادی. از دیگر شایستگی های عمومی برای این کودکان: انگیزه پیشرفت سطح بالا، کنجکاوی فراوان، علاقه مندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها، قدرت ابراز وجود و خودکفایی، پشتکار و انضباط در کارها و قدرت تأثیرگذاری بر دیگران بیان شده است. حقایقی را که در این زمینه آموزگاران در کلاس تجربه کرده اند را می توان به عنوان مبنایی برای شناخت بهتر کودکان مبتکر و دانا قلمداد کرد تا با گزینش و تربیت این گونه نخبگان خردسال، هم از هدر رفتن سرمایه انسانی جلوگیری کرد و هم در بخش آموزش، بهره وری افزونتری از منابع مادی را نصیب جامعه کرد. اندیشمندانی مانند «تایلور و استاین» ویژگی های برجسته ی کودک خلاق را: انگیزه های زیاد و دانش وسیع، اشتیاق و احساس سرشار، علاقه کم به روابط اجتماعی و حساسیت زیاد نسبت به مسائل اجتماعی، تفکر شهودی، جویندگی، مهارت در بازسازی عقاید، خود مختاری، استقلال، پذیرش مثبت از خود و زبردستی بیان می کنند، (نقل از استاین^۱ ۲۰۰۳). تورنس (۱۹۸۵)، اسنونر و فریمن (۱۳۹۰) و گیلفورد (۲۰۰۲) ادعا دارند که افراد خلاق همانند اکثر مردم انسان های پیچیده ای هستند و هیچ نظریه ی منحصر به فردی نمی تواند تمام رفتار آنها را توجیه کند زیرا افرادی که خط مشی خود را بر نوآوری می گذارند بیش از حد جاه طلب و در پی ترقی دائمی یا بسیار بلند پرواز هستند و اینها از نظر روانی احساس نیاز می کنند که همواره باید به موفقیت های بزرگی دست یابند، همچنین ویژگی هایی که این دانشمندان از زبان معلمان فعال در این زمینه دریافته بودند، عبارت بود از: رعایت دیگران،

استقلال در تفکر، عزم ثابت، سختکوشی، شوخ طبعی، کنجکاوی، صمیمیت، ادب، انجام به موقع و دانستن.

سوال دوم ناظر بر این موضوع بود که تفکر خلاق را با چه شیوه ها و راهکارهایی می توان در کودکان بروز داد. یافته ها بیانگر این نکته است که توانمندی های خلاقانه فراوانی در کودکان دبستانی وجود دارد، اما شکوفایی و هدایت این استعداد ها و هیجانات و تبدیل شدن آنان به بزرگسال آفریننده، در گام نخست مستلزم آموزش همه جانبه اولیاء و تعامل بیشتر آنان با مراکز تحصیل فرزندانشان و در گام بعدی نیازمند تغییر بنیادی در استراتژی ها و تکنیک های آموزشی توسط آموزگاران و مسلح کردن آنان به فکورانه ترین اصول و شیوه های آموزشی مبتکرانه، قبل از ورود به کلاس درس می باشد. نتایج حاصل موید این مطلب است که برخی آموزگاران در کلاس درس از روش های بحث گروهی، مشارکتی و حل مسئله بیشتر استفاده می کنند و با فرصت دادن به شاگردان جهت ابراز عقاید خود، توجه به تفاوت های فردی و پیگیری فعالیت های یادگیری دانش آموزان، اعتماد به نفس را در آنان تقویت می کنند و چگونگی انجام پژوهش و تفکرخلاق را به آنان یاد می دهند. در تبیین این یافته ها، میتوان چنین بیان کرد که برنامه درسی در سطوح مختلف نظام آموزشی به گونه ای است که محتوای دروس بسیار زیاد است. هرچند که دانش آموزان نسبت به دروسی که در یادگیری آنها آزادی عمل بیشتری دارند علاقه زیادی نشان میدهند (ویجنیا، ۲۰۱۱) اما زمان کافی برای مسلط شدن در آنها را در اختیار نخواهند داشت. از این رو نقش معلم و روش تدریس او در این امر بسیار با اهمیت است. آنها باید به دانش آموزان احترام گذاشته، فکرهای مبتکرانه را تشویق کرده و مرزهای کلاس را از طریق سفر ها و میهمانی ها توسعه دهند و در گفتگو های کلاسی به طور فعال شرکت کنند. دوتی (۱۹۸۷)، گالاگر (۱۳۸۹)، آمابیل (۱۹۸۳)، دیویدویچ و میلگرام^۱ (۲۰۱۱) و برلاینر و گیج^۲ (۲۰۰۰) ثابت کردند که بین تفکر خلاق و میزان اثر بخشی استادان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و نشان دادند که کیفیت یادگیری در روش های تدریس فعال و همراه با تکنولوژی مانند روش های بحثی، گروهی و حل مسئله بیشتر از روش های تدریس غیرفعال از جمله سخنرانی

1 - Davidovitch & Milgram

2 - Berliner & Gajj

است. بلوم^۱ (۱۹۹۵) اطلاعاتی از ۱۲۰ فرد موفق در شش زمینه شغلی را گردآوری کرد و به این نتیجه رسید که موفقیت‌های بزرگ به چگونگی و کیفیت نوع آموزش بستگی دارد. نتایج پژوهش‌های هرلفیش^۲ و اسمیت^۳ (۲۰۰۳) و گالاگر و آخنر^۴ (۲۰۰۲) نشان داد که شرایط آموزشی مانند فراگرفتن مهارت‌های عقلانی؛ محرک‌های حسی یا پاره‌ای از سرگرمی‌ها؛ طرز تفکر انتقادی؛ ابتکار، رهایی از جمود فکری؛ ایده‌آل، آرزوها و قدرت تخیل؛ مساعد بودن عوامل زندگی و اجتماعی هموارکننده بروز خلاقیت است و هر چیزی دارای نقش و الگو و منبعی برای همانندسازی کودکان می‌باشد. در این نقش او قادر است بر روی کودکان تاثیر بگذارد و سبب برانگیختن تفکر و اگر بشود (به نقل از شریعتمداری ۱۳۹۲). بنابراین می‌توان گفت که برنامه ریزان و فعالان عرصه‌ی تربیت خلاق جامعه باید کاری کنند تا کودکان به اندازه کافی استقلال عمل داشته باشند و با ایجاد چالش برای آنان، خودشان مسئول یادگیری شوند و بر کار او نظارت داشته باشند و از قضاوت و داوری و انتقاد نسبت به ایده‌های کودکان دوری کنند و محدودیتی برای ارائه نظرات آنان اعمال نکنند، تا یادگیری خودراهبر در بین آنان گسترش یابد و افرادی باشند با بینش خلاق و اجتماعی.

یافته‌ها ثابت کرد که رعایت نکاتی مانند: آزادی عمل برای تصمیم‌گیری و کشف جهان اطراف، و استقلال عمل در محیط خانواده باعث می‌شود کودک در آینده فردی خلاق گردد و بعضی از عوامل مربوط به مدرسه نظیر مدیریت قوی و فضای عاطفی مناسب بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان موثر است، نیز ثابت شد که بین وسعت خانواده‌ها و خلاقیت ارتباطی دیده نمی‌شود و بین خلاقیت و تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود ندارد. بنابر این ن در تفکر خلاق نیاز به شرایط و زمینه‌هایی ماورای حال حاضر می‌باشد تا امکان ظهور تفکر خلاق فراهم گردد، زیرا ذهنی که می‌تواند به گونه‌ای ابتکاری بیاندهد خواهد توانست برای پیچیده‌ترین موقعیت‌های مختلف زندگی، شغل و تحصیل راه حل‌های ناب و موثری را پیدا کند. مطالعات والاچ و کوگان (۱۹۹۹)، راین (۲۰۰۶)، گیلفورد (۲۰۰۲)، برک (۲۰۰۸)، آیسنک (۲۰۰۴) و مانسفیلد

1 - Bloom

2 - Herlfish

3 - Semite

4 - Gallager&Akhner

(۲۰۰۰) نیز نشان داده که خلاقیت پدیده ای چند متغیری است یعنی عواملی نظیر جامعه، خانواده، شخصیت و تواناییهای شناختی همزمان بر آن تاثیر می گذارند (نقل از استرنبرگ^۱ ۲۰۰۳ و مایهالی^۲ ۲۰۰۵). با همه ی توجهات و کوشش ها، مسائلی هستند که نقش بازدارندگی در این زمینه دارند. زیرا جامعه می تواند زمینه بروز و ظهور خلاقیت را فراهم سازد و یا از شکوفایی آن جلوگیری کند و به مثابه یک عامل بازدارنده عمل نماید. در پاسخ به سوال سوم و از بعد آموزشی موانعی مانند: کمبود وقت جهت عمق بخشیدن یادگیری، آشنا نبودن معلمان با خلاقیت، وجود کلاسهای پر جمعیت، نبود امکانات آموزشی کافی و از بعد اجتماعی: تأثیر منفی همسالان، عدم آرامش روانی و فقر مالی در خانواده، آشنا نبودن والدین با خلاقیت و وجود باورها و تفکرات غلط پدیدار شد. آنچه ازیافته های واقعی این پژوهش پیداست، رفع عوامل بازدارنده در رشد تخیل و تفکر را می طلبد، زیرا نبود شرایط آموزشی فرهنگی و امکانات متنوع و تحریک کننده باعث ایجاد عادت به شیوه انفعالی و در تداوم زمان باعث جمود فکری و از بین رفتن حس پرسشگری و دستکاری مسائل در دانش آموز می شود. غفاری (۱۳۸۴) به بررسی چهار مانع آموزشگاهی، فردی، سازمانی و خانوادگی بر رشد تفکر خلاق پرداخته است که نتایج نشان داد، چهار مانع ذکر شده بر رشد تفکر تأثیر دارند و از دیدگاه آنان بیشترین تأثیر مربوط به موانع آموزشگاهی است. یافته های پژوهش کیم (۲۰۰۳) و میر قیداری (۱۳۸۳)، نیز شرایط و محیط آموزشی را از عوامل مهم و مؤثر بر عملکرد دانش آموز می داند و در کنار آن نقش محیط خانوادگی خلاق و محیط خانودگی غیر خلاق را در پرورش خلاقیت بیان می کنند و آنها را از یکدیگر متمایز می سازد. همچنین تحقیق بکائی (۱۳۸۷) ثابت کرد که همکاری ۴۵ درصد از اولیای دانش آموزان نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندشان ضعیف است و نامناسب بودن رفتار مری که منبع و سرمشق مناسبی برای همانندسازی کودک است. از این رو نتایج موید این موضوع است که فاکتورهای آموزشی و نگرشهای فرهنگی موجب جرأت و رزتر شدن کودکان برای کسب تجربیات جدید، دستکاری کردن محیط و فراهم کردن فرصتهای بیشتر برای تجربه های محیطی آنها می شود که همگی موجب تقویت تفکر و عملکرد خلاقانه می شود.

1 - Sternberg

2 - Mihaly

در پایان با توجه به اهداف و یافته های پژوهش می توان گفت از چالش هایی که معلمان همواره با آن مواجه بوده اند، شناخت ویژگی ها و استعداد های فراگیران در یک کلاس و عدم آشنایی آنان با نظریات و یافته های کاربردی علوم، در جهت شکوفایی خلاقیت است. چرا که هم دانش آموزان از استعدادها، رشد اجتماعی و جسمانی و قابلیت های خلاق متفاوتی برخوردار هستند و حتی از والدین متفاوتی الگوبدیری داشته اند و هم اینکه شرایط اقتصادی اجتماعی جامعه نیز در سطح مطلوب نبوده تا بتواند موانع را رفع نماید و نیازها را به حد مطلوب برساند. از همین رو آموزگاران باید از تجربه، مهارت و تدبیر لازم برخوردار باشند. آموزش رویکرد های مبتنی بر تکنولوژی آموزشی و به کارگیری شیوه های نوین تدریس مانند بارش فکری، کاوشگری، بحث گروهی و بدیعه پردازی توسط معلمان در قالب طرح های مستمر و چرخشی ضمن خدمت و برگزاری دوره های آموزش خانواده جهت آشنایی والدین با ویژگی های شناختی کودکان و چگونگی پرورش آن می تواند این نقیصه را رفع نماید و موقعیتی فراهم آورد تا کودکان جرأت و جسارت قالب شکنی را به دست آورند و آنان را هدایت کنند تا باعث نوآوری و کیفیت بیشتری در زندگی خود شوند. پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی، تأثیر هر کدام از شیوه های یادگیری و فاکتورهای اجتماعی فرهنگی بر شکوفایی تفکر خلاق کودکان به طور جداگانه و مبسوط مورد تبیین قرار گیرد.

۱۲۰

منابع

- ۱- ادیب حاج باقری، محمد. (1391). روش های تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری. چاپ دوم.
- ۲- اسونرج، فریمین آ. (۱۳۷۵) مدیریت. ترجمه علی پارسایان، محمد اعرابی. تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۳- بکائی احمد. (۱۳۸۷). بررسی ضعف دانش آموزان در درس ریاضی در دوره راهنمایی استان لرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- ۴- بیانلو، اعظم. (۱۳۹۳). ارزیابی و مقایسه تفکر خلاق در کودکان یک زبانه و دوزبانه زود هنگام همسان. فصلنامه نوآوری های آموزشی. سال ۱۳. شماره ۹. ص ۱۰۶-۹۲.
- ۵- پیرخانفی علیرضا، (۱۳۹۱). تاثیر آموزش خلاقیت بر مولفه های فراشناختی تفکر خلاق دانشجویان.

- فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**. سال سوم، شماره ۲. ص ۶۱-۵۱.
- ۶ - سوادکوهی علی، نوروزی احمد. (۱۳۸۵). موانع خلاقیت. **فصلنامه پیوند**. سال دهم. شماره ۱۲۶. ص ۷۰-۵۵.
- ۷ - شریعتمداری، علی، (۱۳۹۲) نقد و خلاقیت در تفکر. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، نوبت چاپ: ۲۱.
- ۸ - غفاری، غلام. (۱۳۸۴). بررسی موانع رشد تفکر (انتقادی و خلاق) از دیدگاه مدیران و دبیران دوره متوسطه شهر فسا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).
- ۹ - فلیک، اووه، (۱۳۹۰) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ۱۰ - فیروز بخت، سمیرا. فولاد چنگ، محبوبه و طباطبایی، فاطمه سادات. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی یادگیری مبتنی بر حل مسئله بر عملکرد تحصیلی، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودگردان در دانش آموزان. **فصلنامه آموزش پژوهی دانشگاه فرهنگیان شیراز**، شماره اول بهار ۱۳۹۴. ص ۱۵۹ - ۱۳۹.
- ۱۱ - گال، مردیت، بورگ، والتر، گال، جورج. (۱۳۹۲). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمد رضا نصر، قم: انتشارات مهر، چاپ سوم.
- ۱۲ - گالاگر جورج (۱۳۸۹) آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه محمد مهدی زاده. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی چاپ دوم.
- ۱۳ - معروفی، یحیی. محمدی نیا، اسماعیل. (۱۳۹۱). دوزبانگی و رابطه آن با مهارت های تفکر انتقادی. **فصلنامه ی نوآور یهای آموزشی**، سال دوازدهم، شماره ۴۵. ص ۶۰ - ۴۵.
- ۱۴ - میرقیداری، محمد. (۱۳۸۳). عوامل بازدارنده و تسهیل کننده خلاقیت. **فصلنامه ی خلاقیت و نوآوری**، شماره ۶، صص ۳۴-۲۷.
- ۱۵ - هالووی امیل (۱۳۸). روش های تحقیق کیفی در پرستاری. ترجمه حسن عابدی و همکاران. تهران: نشر بشری، چاپ دوم.

- ۱۶ -Annare.L.(1999).**Encouraging creativity and imagination in the classroom.** Viewpoint.
- ۱۷ -Abra. j.L(2001).study of creativity of engineering curriculum of department of technology education in college. international conference Oslo Norway.
- ۱۸ -Beghetto, R. A. (2010). Does creativity have a place in classroom discussionsProspective teachers' response preferences. *Thinking Skills and Creativity*, 2(1), 1-
- ۱۹-Amabile, Teresa M. (1983) A Model Of Creativity And Innovation in Organizations *Research Behavior*, Vol, 10, PP, 123-167.
- ۲۰-BERLINER, D.G. (۲۰۰۰) "Educational psychology" (3 third edition) Boston.
- ۲۱-Bloom,B.(1995).**Teacher training manual** ,newyork.Macmillian.
- ۲۲- Brookover,W and Schneider, JM.(2006).**Academic environments and the elementary school** achievement. *Journal of Human Resources*,p.
- ۲۳- Craft, A,Jeffrey, B &Lebling ,m(۲۰۰۷). **Creativity in education.** London and New York: Continuum. Vol .۲
- ۲۴- Davidovitch N, Milgram M. 2006. **teacher effectiveness in higher education**.retrievid of proquest information and learning company.
- ۲۵- Doty,b.(1987). Theching methods effectiveness in retain student characteristics,London l.t.cco..
- ۲۶- Facioni , P (۲۰۱۰). Creativity thinking skills for Education and life.Retrieved of www. asa3./ASA/.
- ۲۷ -Guliford .J.P.(1967).**The nature of human intelligence.** McGrahill. New York. NY; Vol 2.
- 28 - Herrington,j.(2001). A hundred **possibilities:Creativity,community** and new technologies.London.
- ۲۹- Kim,L. (۲۰۰۳). **Factors affecting student learning out-cames** ,paper presented at the Annual meeting of the American educational

research association, Atlanta, GA April. America ; vol 2.

۳۰- Mihalyi .C (۲۰۰۸) .**creativity: flow and the psychology of discovering and invention** Harpercollins publisher.vol 2 .

۳۱- Torrance, E, Paul. ;(۱۹۸۵) **Developing Creative Thinking Through School Experience In,**

Paranes Sidney, J.;A Source Book For Creative Thinking Charles, Scribner.; Sons, New York.

۳۲- Torrance.E.P.(۱۹۹۰).**Norms–technical manual Torrance test of creative thinking** .minisota un press.

۳۳ - Torrance.E.P.(۱۹۹۹).Creativity. What Research Says To The Teacher. Series no 28. national education association. Washington DC.

۳۴- Vebestry.j.(2013). A hundred possibilities:Creativity,community and new technologies. London.

۳۵ -Vernon PE.(1995). **intslidghe heredity and Ehvironme sanfrancisco.**

۳۶- Ryhammar.L.and Borlin.(2005).CreativityResearch.Historical considerations and main lines of development. Journal of educational research.vol 3.

۳۷ -Sternberg.R.J.(2003).**A three facet mode of creativity**. the nature of creativity cambridge.University press.

۳۸- Stain M. (2003). **Creative as an intra-personal procassin,parnes,sidner,J.**source book for creative thinking ,Charles,scribner,sons,newyork.

۳۹.Wijnia, L.(2014). **Motivation and achievement in problem based learning:** The role of interest, tutor and self-directed study. Rotterdam: Optima Grafische Communicatie.